



آزمون علمی اصول - اصول مظفر - پایه ۶ - مرحله اول



توجه: لطفاً با دقت به سؤالات پاسخ دهید. (هر چهار پاسخ غلط، یک نمره منفی دارد)

* اختلف الأصوليون في أنه هل يجوز اجتماع الأمر والنهي في واحد أو لا يجوز؟

۱. جواز در مسأله مذکور به چه معناست؟
 أ. جواز شرعی به معنای امکان ب. جواز عقلی به معنای امکان
 ج. جواز شرعی به معنای احتمال د. جواز عقلی به معنای احتمال

۲. در مسأله «اجتماع امر و نهی»، «اجتماع موردی» چه نوع اجتماعی است؟

- أ. اجتماع امر و نهی در وقت واحد بر فعل واحد
 ب. انطباق مأموریه و منهی عنه بر فعل واحد
 ج. تقارن دو فعل مختلف در وقت واحد
 د. اجتماع دو عنوان متعلق تکلیف بر فعل واحد

* إذا التقى عنوان المأمور به والمنهى عنه في واحد فإن بقي الأمر والنهي فعليين معاً فقد اجتمع الأمر والنهي في واحد.

۳. بر اساس قول به امتناع در «اجتماع امر و نهی» دلیل وجود ملازمه بین مقدم و تالیدر جمله شرطیه مذکور کدام است؟

- أ. متعلق تکلیف بودن عنوان و عدم سرایت حکم به معنون
 ب. متعلق تکلیف بودن معنون و متعدد شدن آن با تعدد عنوان
 ج. سرایت حکم از عنوان معنونی که تعدد عنوان سبب تعدد آن نمی‌شود
 د. سرایت حکم از عنوان به معنونی که متعلق تکلیف واقعی است

۴. جوازی و امتناعی در کدام مطلب درباره «مندوحه» اتفاق نظر دارند؟

- أ. ضرورت تقیید مسأله «اجتماع امر و نهی» به قید مندوحه
 ب. امتناع اجتماع امر و نهی در صورت نبود مندوحه
 ج. وقوع تعارض میان امر و نهی در صورت نبود مندوحه
 د. باقی ماندن امر و نهی بر فعلیت در صورت وجود مندوحه

۵. با اجتماع و وجود تنافی میان امر و نهی که متعلق آنها عموم بدلی دارد، در صورت نبود «مندوحه» چه رابطه‌ای بین امر و نهی برقرار می‌شود و چگونه باید عمل کرد؟

- أ. تعارض - تساقط ب. تراحم - ترجیح اقوی الملائین
 ج. تعارض - تخییر د. تراحم - تخییر

* إن متعلق التکلیف لیس هو المعنون لأن الشوق يستحيل أن يتعلق به، لأنه إما أن يتعلق به حال عدمه أو حال وجوده، أما الأول فيلزم تقوّم الموجود بالعدم و أما الثاني فلائنه تحصيلاً للحاصل.

۶. مقصود از «الموجود» در عبارت «فيلزم تقوّم الموجود بالمعدوم» چیست؟

- أ. تکلیف ب. شوق
 ج. معنون د. متعلق تکلیف

۷. از نظر مصنف، اتخاذ قول «جواز» در مسأله «اجتماع امر و نهی» بر چه مبنایی است؟

- أ. متعلق تکلیف ذات عنوان است و معنون نیز به تبع آن دارای تکلیف می‌شود
 ب. متعلق تکلیف عنوان است و تعدد عنوان سبب تعدد معنون می‌شود
 ج. متعلق تکلیف عنوانی است که دارای عموم استغراقی است
 د. متعلق تکلیف ذات عنوان است و سبب سرایت تکلیف به ذات معنون نیز می‌شود

۸. از نظر مصنف، معنوی «غصب» هنگام اجتماع با «صلوات» دارای چه نوع وجودی است؟

- ا. اعتباری عقلی ب. جعلی شرعی ج. حقیقی متأصله د. مسامحی عرضی

۹. از نظر مصنف، در مسأله «اجتماع امر و نهی» اگر مکلف جاهلانه فعل مجمع را انجام دهد، واجب در صورت عبادی بودن چه حکمی دارد؟

- ا. با جهل قصوری، عبادت صحیح است ب. با جهل تقصیری، عبادت صحیح است
 ج. با جهل قصوری و تقصیری، عبادت باطل است د. با جهل قصوری و تقصیری، عبادت صحیح است

۱۰. مقصود از «عدم مندوحه» در مسأله «اجتماع امر و نهی»، عارض شدن چه حالتی بر مکلف است؟

- ا. غفلت ب. اضطرار ج. نسیان د. جهل

۱۱. إذا اضطرَّ المكلف إلى فعل المنهَى عنه لا يلزم منه أن يعود دليل الأمر حجة في مورد الاجتماع مرة ثانية إذا كان

- ا. ترجیح جانب النهی من باب التزاحم ب. ترجیح جانب النهی من باب التعارض
 ج. ترجیح جانب الأمر من باب التزاحم د. ترجیح جانب الأمر من باب التعارض

۱۲. کدام گزینه درباره حکم تصرف هنگام خروج از غصب صحیح است؟

- ا. وجوب نفسی ب. حرمت نفسی ج. وجوب غیری د. حرمت غیری

* إن المقدّمة المحرّمة إنّما تقع على صفة الوجوب حيث لا تكون منحصرة و أمّا مع انحصار التوصل بها إلى الواجب، فإنّه يقع التزاحم بين حرمتها و وجوب ذیها.

۱۳. ادعای مذکور در متن در چه صورتی غلط است؟

- ا. در صورت وجوب «سوء اختیار» از مکلف ب. در صورت وجود تراحم در مقام تشریح
 ج. در صورت نفسی بودن وجوب مقدمه د. در صورت «اهم» بودن وجوب مقدمه

۱۴. کدام گزینه درباره «نهی» در عنوان مسأله «دلالة النهی على الفساد» غلط است؟

- ا. اعم از تحریمی و تنزیهی ب. اعم از نفسی و غیری ج. اعم از لفظی و لیبی د. اعم از عقلی و طبعی

۱۵. تعلق نهی به کدام مورد، آن را داخل در محل نزاع مسأله «دلالة النهی على الفساد» نمی‌کند؟

- ا. معامله ربوی ب. نماز در حمام ج. صوم در روز عاشورا د. بیع وقف

۱۶. به کدام دلیل در صورت جریان مسأله «دلالة النهی على الفساد» در مصداق عبادت، اجتماع فعلی امر و نهی ممکن نیست؟

- ا. عدم تعدد ممنوع ب. تضاد امر و نهی ج. عدم تعدد عنوان د. تعدد غرض مولا

۱۷. تعلق نهی به عبادت در چه صورتی سبب داخل شدن موضوع بحث در مسأله «اجتماع امر و نهی» می شود؟

- ا. تعلق نهی تنزیهی به شرط عبادت
- ب. تعلق نهی تحریمی به جزء عبادت
- ج. تعلق نهی تنزیهی به عنوان ملازم با عنوان عبادت
- د. تعلق نهی تحریمی به وصف ملازم با عنوان عبادت

* إذا كان النهی دالاً على اعتبار شیء فی المتعاقدين و العوضین فإنه دالاً على فساد المعاملة.

۱۸. کدام مورد، درباره نهی مذکور در متن صحیح است؟

- ا. يكون النهی بداعی الردع من أجل مبعوضیة فی ذات السبب
- ب. يكون النهی بداعی الإرشاد إلى اعتبار شیء فی المعاملة
- ج. يكون النهی بداعی الردع من أجل مانعیة فی ذات السبب
- د. يكون النهی بداعی الإرشاد إلى منافاة نفس النهی لصحة المعاملة

۱۹. اگر موضوع علم اصول «الأدلة الأربعة بما هی أدلة» باشد، «مباحث حجت»، داخل در کدام مورد است؟

- ا. مسائل
- ب. مبادی تصویری
- ج. مبادی تصدیقی
- د. اصول موضوعی

۲۰. حجت به معنای اصولی بر کدام یک از «قطع، اماره یا اصول عملیه» اطلاق می شود؟

- ا. اماره
- ب. قطع و اماره
- ج. اماره و اصول عملیه
- د. هر سه

۲۱. کدام گزینه بیان کننده کلمات مترادف در معنای حقیقی نیست؟

- ا. دلیل و طریق
- ب. حجت و اماره
- ج. حجت و دلیل
- د. اماره و ظن

۲۲. در صورت «اماره بودن استصحاب» کدام گزینه درباره آن صحیح نیست؟

- ا. لسانها لسان إثبات الواقع
- ب. یورث الظن ببقاء المتیقن لاحقاً
- ج. لا تثبت متعلقاتها بحسب الجعل
- د. أمارتته من جهة تثبت الحكم الفعلی

۲۳. اماره ای که افاده ظن نوعی می کند، از لحاظ «قاعده اولی» چه حکمی دارد؟

- ا. ظن معتبر
- ب. افترا بر خداوند
- ج. حجیت شرعی
- د. حجیت بالعرض

۲۴. کدام گزینه درباره «قطع» غلط است؟

- ا. إن حجیة القطع من جهة كونه طریقاً بذاته
- ب. إن وجوب متابعة القطع أمر ذاتی له
- ج. ليس للقطع متابعة غير الأخذ بالواقع المقطوع به
- د. إن حجیة القطع لا تحتاج إلى جعل من الشارع

* لا معنى لفرض جعل الطریقة للقطع جعلاً تألیفياً بأی نحو فرض للجعل، سواء كان جعلاً تكوینياً أم جعلاً تشریعياً.

۲۵. مقصود از «جعل تشریعی» چیست؟

- ا. علت
- ب. کاشف
- ج. طریق
- د. دلیل

۲۶. اگر اماره‌ای مانند «خبر واحد» دارای حجیت شرعی باشد، دامنه حجیت آن کدام است؟

- ا. انسداد کبیر باب علم ب. علم به عدم تفویض واقع ج. انسداد صغیر باب علم د. مطلق و بدون قید و شرط

۲۷. «ظن خاص» در مقابل کدام ظن است؟

- ا. ظن قطاع ب. ظن نوعی ج. ظن مطلق د. ظن شخصی

۲۸. پس از کامل شدن مقدمات «انسداد باب علم و علمی» منشأ حکم عمل کردن به هر ظن چیست؟

- ا. شرع ب. عقل ج. عرف عام د. عرف متشرعه

۲۹. در صورت انسداد باب علم و علمی، و وجود ظنی که قطع به عدم حجیت آن داریم، چگونه باید عمل کرد؟

- ا. عمل به ظنی که عدم حجیت آن قطعی است ب. عمل به برائت بر اساس جواز مخالفت احتمالی در علم اجمالی
ج. عمل به احتیاط بر اساس وجود علم اجمالی د. عمل به اصول عملیه بر اساس انحلال علم اجمالی

۳۰. تأثیر علم مکلف بر تکلیف، چه نوع تأثیری است؟

- ا. شرط برای ثبوت واقعی تکلیف ب. شرط برای تنجز تکلیف ج. علت ایجاد مصلحت در تکلیف د. علت برای ثبوت تکلیف

۳۱. از نظر مصنف، دلیل «اشتراک عالم و جاهل در احکام» چیست؟

- ا. اطلاق ادله احکام ب. دلیل متمم جعل ج. امتناع عقلی اختصاص به عالم د. اطلاق ادله احکام به همراه اجماع

۳۲. بر مبنای «طریقیت» در امارات، کدام مورد برای توجیه احتمال تفویض واقع در تبعیت از اماره صحیح است؟

- ا. ایجاد مصلحت اقوی از واقع به واسطه تبعیت از اماره هنگام خطا ب. ایجاد واقع ثانوی دارای مصلحت مطابق مؤدای اماره در هنگام مخالفت با واقع
ج. علم خداوند به مساوی و یا بیشتر بودن احتمال تفویض واقع در علم د. وجود سیره عقلا بر تبعیت اماره حتی در صورت وجود خطا و تفویض واقع

۳۳. بر مبنای «سببیت» در امارات، ایجاد کننده حکم ظاهری مطابق با مؤدای اماره، کدام است؟

- ا. ذات اماره ب. شارع ج. دلیل حجیت اماره د. واقعیت ثانوی

۳۴. از نظر مصنف، امر شارع برای تبعیت از اماره، از کدام نوع امر است؟

- ا. مولوی سببی ب. مولوی طریقی ج. ارشادی سببی د. ارشادی طریقی

❖ ذهب الشيخ الأنصاري إلى فرض مصلحة السلوكية في الأمارات لتصحيح جعلها و هو أن يفرض المصلحة في نفس سلوك الأمانة و تطبيق العمل على ما أدت إليه، فتكون الأمانة من ناحية لها شأن الطريقة إلى الواقع و من ناحية أخرى لها شأن السببية.

۳۵. مقصود از «من ناحية» چیست؟

- أ. هنگام تبعیت مکلف از اماره ب. هنگام موافقت اماره با واقع ج. هنگام مخالفت مکلف با اماره د. هنگام مخالفت اماره با واقع

۳۶. «حجیت» در امارات، کدام نوع از احکام است؟

- أ. وضعی اعتباری ب. تکلیفی اعتباری ج. وضعی انتزاعی د. تکلیفی انتزاعی

۳۷. کدام «شهرت» سبب جبران ضعف سندی در روایت می شود؟

- أ. روایی ب. فتوایی ج. عملی د. دلالی

۳۸. نقیض تعلیل در آیه ﴿إِنْ جَاءَكَ فَاسِقٌ بَدِيًّا فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ﴾ چیست؟

- أ. ما لا يستلزم الإصابة بعلم ب. لا تبينوا عند عدم مجيء الفاسق نبأ ج. ما لا يستلزم الإصابة بجهالة د. لا تبينوا عند مجيء العادل نبأ

❖ قال زرارة قلت: جعلت فداك! يأتي عنكم الخبران و الحديثان المتعارضان فبأيهما نعمل؟ قال: خذ بما اشتهر بين أصحابك و دع الشاذ النادر.

۳۹. از نظر مصنف، مقصود امام از «ما اشتهر» کدام نوع «شهرت» است؟

- أ. روایی و فتوایی ب. فتوایی و عملی ج. فتوایی د. روایی

۴۰. اثبات حجیت سیره عقلا در کدام مورد علاوه بر نبود ردع از شارع، نیازمند وجود دلیل خاص قطعی بر امضا از طرف شارع است؟

- أ. عمل به خبر تقه ب. فهم معانی لغات از اهل خبره ج. فهم مراد متکلم از ظواهر د. عمل به استصحاب

۴۱. سیره های مشرعه تحقق یافته پس از عصر معصومین^ه در چه صورتی حجت شرعی است؟

- أ. منشأ آن عادت عرفی باشد و خلاف آن منکر شمرده شود ب. منشأ آن اطاعت از بزرگان قوم باشد و خلاف آن سبب تعجب شود
ج. سیره عام و مستحکم باشد و خلاف آن منکر شمرده شود د. سیره عام و مستحکم باشد و مربوط به امور شرعی باشد

۴۲. سیره مشرعه بر انجام یک فعل بر وجود چه حکمی در آن دلالت می کند؟

- أ. استحباب ب. عدم کراهت ج. حرمت ترک د. عدم حرمت

۴۳. روایت «إنّ الدین لا یصاب بالعقول» برای رد چه چیزی است؟

- أ. سیره عقلا ب. دلیل عقل ج. قیاس د. تصویب

* إنّ خیر التعرّیفات للقیاس أن یقال: هو إثبات حکم فی محلّ بعلة لثبوتہ فی محلّ آخر بتلك العلة.

۴۴. در تعریف مذکور «محلّ» در عبارت «اثبات حکم فی محلّ» را چه نامیده می‌نامند؟

- أ. اصل ب. فرع ج. مرجع د. جامع

۴۵. علت بودن یقینی یک چیز برای وجود حکم در «اصل» و «فرع» در «قیاس» از چه راهی شناخته می‌شود؟

- أ. وجدان ب. عقل ج. اجتهاد د. شرع

۴۶. یقینی بودن، برهان «سبر و تقسیم» از چه راهی حاصل می‌شود؟

- أ. بررسی عقلی همه احتمالات علت و نفی همه احتمالات مگر علت اصلی حکم ب. انحصار احتمالات علت حکم با تقسیم ثنایی دائر مدار بین نفی و اثبات
ج. بررسی خارجی همه احتمالات علت و احراز وجدانی علت اصلی حکم د. استقرای تام در ادله شرعی و پیدا کردن علت منصوص برای حکم

۴۷. کدام گزینه درباره «نتیجه قیاس» غلط است؟

- أ. إنّ القیاس لا یفید العلم فی حدّ ذاته ب. فقد تواتر عن آل البيت^ه النهی عن أخذ به
ج. فقد تمسکوا أهل السنّة لحجّیته بالأدلة الأربعة د. إنّ الظنّ الحاصل منه لا یكون من الظنون الخاصّة المستثناة من عموم الآيات الناهیة عن اتّباع الظنّ

* إنّ نعم قطعاً بأنّ الحوادث لا نهاية لها و نعلم قطعاً أنّه لم یرد النصّ فی جمیع الحوادث التناهی النصوص إذاً فیعلم أنّه لا بدّ من حرج لاستنباط الأحكام و لیس هو إلّا القیاس.

۴۸. پاسخ مصنف به دلیل عقلی مذکور برای اثبات حجیت «قیاس» چیست؟

- أ. لم یذکر أكثر الباحثین عن القیاس دلیلأً عقلياً علی حجّیته ب. إنّ أكثر الصحابة استعملوا الاجتهاد بالرأی لا بالقیاس
ج. یکفی فی کلّ حادثة جزئیة أن تدخل فی أحد العمومات د. إنّ القیاس مردود بقوله^ه: «إنّ دین الله لا یصاب بالعقول»

۴۹. در کدام مورد، دلالت کلام بر مفهوم، به سبب «قیاس اولویت» اثبات شده است؟

- أ. لو كان الدین بالرأی لكان المسح علی باطن الخفّ أولى من ظاهره ب. ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾
ج. متعتان کانتا علی عهد رسول الله^ص و أنا محرّمهما د. ﴿فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ بِحُكْمٍ بِهِ ذَوَاعِدٌ مِنْكُمْ﴾

۵۰. چرا اخراج «استحسان، مصالح مرسله و سد ذرائع» از عمومات حرمت عمل به ظن، باطل است؟

- أ. چون نوعی از قیاس باطل‌اند ب. چون از اعتقادات مخالفان هستند ج. چون سبب تخصیص اکثر می‌شود د. چون مخالف سیره عقلا است